

### نگارش ۳

قربانی. جلسه ۱۳

آقای محمد جواد قدوسی. ۱۵ تیر ۱۴۰۰

هنوز درست خوابتان نبرده است که این سوال به ذهنتان می‌آید: چه خواهد شد؟ آینده چه پیش خواهد آمد؟ چه اتفاقاتی رقم خواهد خورد؟ و چه بلایی بر سر عشق، محبت، هرچند خیلی کم و ناچیز خواهد آمد؟

ورقی به دستتان می‌دهند. یک ورق کوچک به اندازه چهار انگشت دست و می‌فهمید همه علم آینده در آن ثبت شده است. با تعجب می‌پرسید چطور ممکن هست همه علم در آن ثبت شده باشد؟ اما جواب می‌شنوید بخوان تا ببینی که همه علم آینده در آن است.

وقتی به ورق کاغذ توجه می‌کنید متوجه می‌شوید که همینطور است همه علم آینده در آن قرار دارد.

پس با ولع مشغول آن می‌شوید تا اینکه قسمتی غافلگیرتان می‌کند.

زمانی خورشید در حال مرگ است و با مرگ خورشید همه ستاره‌ها، سیاره‌ها و کهکشان‌ها می‌میرند و بعد آسمان ناپدید می‌شود. با از بین رفتن آسمان امید، عشق، محبت، حتی محبت مادر به فرزند برای همیشه رخت برمی‌بندد و در دل هیچ آدمی چیزی از عشق یا محبت باقی نمی‌ماند.

مگر آنکه یک نفر قربانی شود. فرد قربانی مشخص است، و شیوه قربانی شدن به سخت‌ترین و دردناک‌ترین وضعیت جسمی است.

جسد قربانی بعد از مرگ سوزانده و به باد داده می‌شود و پرده مهم‌تر آن است که بعد از مرگ بلکی فراموش می‌شود و دیگر کسی او را به یاد نخواهد آورد و مهم‌تر از آن اینکه جاودانگی هم از او گرفته می‌شود. آن دنیایی هم نخواهد داشت. گویا از اول خلق نشده باشد.

آن قربانی شمائید. هرچند حق انتخاب دارید. اینکه به این صورت قربانی شود یا نه.

و در آن حین خواب و بیداری قد راست می‌کنید و کمر محکم می‌بندید و انتخاب می‌کنید قربانی باشید و حتی از یاد خدا هم بروید گویا از ابتدا نبوده‌اید...

تمام.